



تیسین آیه سال ۱۳۹۵

حجت الاسلام و المسلمین حاج علی اکبری

نماینده مقام معظم رهبری در اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان

۱۸ فروردین ۱۳۹۵

فهرست

- ۱ تبریک سال جدید
- ۱ مزیت انجمن اسلامی بر سایر تشکل‌ها
- ۱ تقارن دو بهار
- ۲ تشابه بهار و معاد
- ۲ نقش فوق‌العاده یاد مرگ در خودسازی
- ۳ ضرورت آماده شدن برای ورود به ماه رجب
- ۴ بهار الهام‌بخش کار تشکیلاتی است
- ۴ یادی از بهار حقیقی
- ۵ معرفی آیه سال
- ۶ تبیین آیه سال
- ۷ تبیین و تفسیر مطلع آیه
- ۱۰ انقلاب اسلامی ایران و زمینه‌سازی برای ظهور
- ۱۱ ترفندهای جدید استکبار برای مقابله با ایران
- ۱۲ مرور شعار سال
- ۱۳ وظایف انجمن‌های اسلامی در سال ۱۳۹۵
- ۱۳ پنج ویژگی انصار المهدی
- ۱۴ سخن پایانی
- ۱۵ معرفی سوره سال
- ۱۶ لزوم تبیین و ترویج سخنان مقام معظم رهبری
- ۱۷ درایت رهبری در تقویت توان موشکی ایران
- ۱۸ چند تذکر تشکیلاتی
- ۱۹ منابع و مآخذ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

تقارن دو بهار

بِحمدالله تقارن دو بهار را داریم؛ هم بهار طبیعت و هم نوروز عارفان و عاشقان که در پیش است و با ماه مبارک رجب آغاز می‌شود. این تقارن پیام‌های زیادی دارد و ما آن را به فال نیک می‌گیریم. دو فصل باطراوت و بانشاط به همدیگر می‌رسند و ان‌شاءالله این تقارن منشأ برکت زیادی برای اهل معرفت خواهد بود.

ما معمولاً بهاری‌های هایی را در سال‌های گذشته برای شما تفصیلاً با استفاده از آیات قرآنی و کلمات اولیای خدا داشته‌ایم. امروز هم مناسب است یادآوری داشته باشیم و این آیه‌ی نورانی را از سوره‌ی مبارکه‌ی حج بخوانیم که: «وَتَبَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَاِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ: [۱]» و زمین را خشکیده می‌بینی و [الی] چون آب بر آن فرود آوریم، به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند و از هر نوع [رستنی‌های] نیکو می‌رویند. این [قدرت‌نمایی‌ها] بدان سبب است که خدا خود حق است». این ترسیم قرآنی بهار را ببینید که چقدر عمیق و پر معنا و لطیف و پر جاذبه و زیبا و شوق‌انگیز و بیدارکننده و به هوش آورنده‌ی مدهوشان عالم طبیعت و گرفتاران در ظلمات طبیعت و حجاب‌های غفلت است. از منظر قرآن کریم، بهار، مخزن الهام‌ها و اشراق‌ها و ذکرها و فکرها برای

تبریک سال جدید

سال جدید را با تأخیر خدمت همه‌ی عزیزان تبریک عرض می‌کنم؛ اگر چه موفق شدیم به گروهی از شما مسئولان محترم استان‌ها، تلفنی عرض سلام و تبریک داشته باشیم.

امیدواریم خداوند تبارک و تعالی سالی را که در پرتو انوار حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) آغاز شده، بر همه‌ی دوستان آن حضرت در سراسر عالم، و نظام فاطمی ما و رهبر عزیز و عالی‌قدرمان و همه‌ی شما دوستان و همه‌ی انجمن‌های اسلامی، سال مبارکی قرار دهد؛ ان‌شاءالله.

مزیت انجمن اسلامی بر سایر تشکلهای

الحمد لله فضای عمومی تشکل ما فضای منظمی است و این، جای شکر دارد؛ چراکه از این نظر با خیلی جاها قابل مقایسه نیست. در مجموع احساس می‌کنیم که برنامه‌ها به قاعده و سر وقت و با انضباط است و برخی برنامه‌های ما از نظر نظم برنامه‌ای، اعم از نظم شکلی و محتوایی، قابل مثال زدن است و این ویژگی را باید حفظ و تقویت کنیم.



انسان مؤمن خردمند است. امیدوارم همه‌ی شما از گروه «اولوالالباب» باشید و با عبور از ظاهر این تحولات، به معنا برسید و معنیاب باشید و به باطن سفر داشته باشید. ان‌شاءالله بهره‌ی همه‌ی ما از این نمایشگاه عظیم اسماء الهی و ارائه‌های عظیم و راهگشای اسمای الهی فراوان باشد و بنیه‌ی توحیدی خود را تقویت کنیم.

تشابه بهار و معاد

جالب است که یک جلوه‌ی کوچک از قیامت کبری پیش چشم ما است. من می‌خواهم روی این نکته تأکیدی داشته باشم. علاوه بر برداشت‌های ناب توحیدی، قرآن کریم، اصرار فراوانی برای توجه به معاد دارد. همان طور که خدای متعال، طبیعت «هامده» به معنای افسرده و زمستانی را زنده کرد و به شکوفایی رساند، مرده‌ها را نیز زنده می‌کند. «وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و بر هر چیزی توانا است. این قدرت‌نمایی خدای متعال است. جالب است که بلافاصله در آیه هفتم، این مسئله با یک آیه مستقل تأکید می‌شود: «وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ»؛ و اینکه رستاخیز آمدنی است، و شکی در آن نیست؛ و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می‌کند. قیامت، همانند بهار، ناگهانی می‌رسد. انسان با تعجب نگاه می‌کند که ظرف چند روز، صحنه‌ی طبیعت

چقدر عوض می‌شود و چه بود و چه شد. سرسبزی‌ها و زنده شدن درخت‌ها یک باره اتفاق می‌افتد. قیامت هم یک باره اتفاق می‌افتد؛ البته مقدماتی دارد، اما همه‌ی آنها در هم پیچیده و به سرعت اتفاق می‌افتد. در صورتی که دمیده شد، شما یک باره با صحنه‌ی بسیار عجیب و عظیمی روبرو خواهید شد و آن‌هم خروج مردگان از قبرها است که یکی از آنها خود جناب‌عالی هستید که خاک شده‌اید و باز جمع می‌شوید و برمی‌خیزید و از قبر بیرون می‌آید.

در ابتدای آیه ۵ سوره حج فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ؛ ای مردم، اگر درباره برانگیخته شدن در شک هستید»، در ادامه بهار را به عنوان یک مثال روشن بیان می‌دارد. در آیه هفتم جمع‌بندی می‌کند و می‌گوید: «وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ»؛ در حقیقت خدا است که کسانی را که در گورهایند، برمی‌انگیزد. بنابراین ما بعد از هزارها سال از خاک بیرون خواهیم آمد؛ دقیقاً مثل همین بهار. «این بهار نو ز بعد برگریز، هست برهان بر وجود رستاخیز». [۲] این تأکیدی است که خدای متعال داشته و از پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله) هم نقل شده که در بهار، خیلی به قیامت فکر کنید: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّبِيعَ فَآكثَرُوا ذِكْرَ النَّشُورِ»؛ [۳] هرگاه بهار را دیدید، فراوان از قیامت یاد کنید؛ چراکه از وجود شما رونمایی می‌شود؛ همان‌گونه که در بهار از استعدادهای



مجلس
استشارای
اسلامی
ایران
۱۳۸۸

که بتواند، انسان را با خودش می‌برد و بازی می‌دهد و استحال می‌کند. لهُو و لعب و زینت و تفاخر و تکاثر ما را با خودش خواهد برد و آنچه می‌تواند در برابر جاذبه‌ها و پیشنهادهای شیطان ما را نجات دهد و صیانت کند، یاد معاد است.

ان‌شاءالله ایام بهار را از این لحاظ مغتنم بشماریم و توشه معادی خود را از آن بگیریم و در طول سال، این فهم و دریافت را ادامه دهیم.

ضرورت آماده شدن برای ورود به ماه رجب

این تحول طبیعت با همه‌ی الهام‌ها و اشراق‌ها و درس‌ها و فتوحاتی که برای اهل راز دارد، امسال با فصل معنویت و نیایش و رویش تقارنی دارد که آن هم جالب است. مثل بهار طبیعت که یک فصل حساب می‌شود و با فروردین آغاز، آن هم فصلی است با سه ماه که در کنار هم چیده شده و یکی زیباتر از دیگری. از ماه رجب شروع و به ماه مبارک رمضان ختم می‌شود. فصل خودسازی و به خود آمدن و بیداری و شیدایی و عاشقی و تجربه‌های معنوی و اندوختن تجربه‌های معنوی و مخصوصاً فتوحات روحانی و عرفانی است که در این ماه تعبیه شده و خدای متعال اینها را در دسترس ما قرار داده است. ماه رجب فرا می‌رسد و آن ملک داعی،

زمین رونمایی می‌شود. در قیامت برخی با دست پر می‌آیند و برخی با دست خالی. خوار باشد با دست خالی و سر به زیر می‌آید و گل باشد با دست پر و سر بلند می‌آید.

درخت‌های خشک و بی‌حاصل در بهار افشا می‌شوند. جالب است که در بعضی موارد یک درخت هست که نیمی از آن زنده و نیمی مرده است. گاهی کسی وارد عرصه قیامت می‌شود و بخشی از وجودش خشک و خالی است و بخشی از آن پر.

نقش فوق‌العاده یاد مرگ در خودسازی

برای ایستادن در برابر غفلت‌ها و جاذبه‌های گوناگون زندگی کوتاه دنیا، چیزی که نجات‌بخش است، یاد معاد است. شک نکنید که هر کسی به اندازه‌ی سهمش از یاد معاد - در همه‌ی مراتبش، از یاد مرگ تا یاد قیامت - می‌تواند از مدت حضورش در دنیا نصیب برسد؛ چون این ذکر و یادآوری، نیروهای وجودی او را آزاد می‌سازد و شیخ در جهت خلقت حرکت می‌کند؛ و الا از آنجا که «أَمَّا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وِزْنَةٌ وَنَفَاخِرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» [۴] زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است»، دنیا به هر اندازه



(سلام الله علیها) است، بشارت دارد؛ هم برای اغتنام فرصت و هم برای حرکت و جنبش و رویش.

بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی. این طور نیست که تو در هر ماه رجبی باشی. حتی در همین ماه رجب هم معلوم نیست تو باشی. دوست عزیز عضو انجمن اسلامی مادر نیشابور، آقا میکائیل دهنوی، که مرحوم شد و دل ما از این بابت خیلی سوخت، به ماه رجب امسال نرسید. شما که دیگر سنی از شما گذشته است و دانش آموز هم نیستید و من که دیگر هیچ... از خدای متعال بخواهید که ماه رجب را درک کنید. سالها ماه رجب خواهد آمد و تو دیگر نیستی. سالها طبیعت خوش و حرم می شود و جنابعالی در خاک هستی. الان با اقبال قلبی از این فرصت استفاده کن؛ و الا مرگ خیلی نزدیک تر از آن است که فکر می کنی. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «قربیب؛ نزدیک است». مرگ بالای سر ما ایستاده و چشم به هم بزنی، نیستی و این فرصت‌ها و امکان‌ها نیست. در نماز باید بگویی: خدایا، توبه من وقت و فرصت دادی که به رکوع و سجده بروم و خدمت کنم.

بهار الهام بخش کار تشکیلاتی است

باید فرصت را غنیمت شمرد و البته ابتکار هم داشت. سال جدید شد و باید

از سوی خدای متعال فراخوان می زند و آن پیام شوق انگیز را می آورد. ببینید چقدر در دسترس لطف و مغفرت و کرامت خدای متعال هستیم! در نزدیک ترین حد به جنابعالی قرار می گیرد و حسرت عظمی وقتی است که از این سفره آماده و جذاب غفلت کنیم و بهره لازم را نبریم. امیدوارم عزیزان در این فرصت بسیار کم باقی مانده تا روز اول ماه رجب، وقت بگذاریم و خود را برای ورود به آن آماده سازیم؛ زیرا در بهره برداری معنوی، ادب آغاز و ورود مهم است. انسان با شوق و عطش و مقدمه سازی و تضرع و برنامه ریزی و استغفار وارد ماه رجب شود. یکی از بزرگترین شبهای سال، شب اول ماه رجب است. اولین شب جمعه آن نیز که «لیلہ الرغائب» است، فوق العاده مهم است.

گاهی بعضی افراد از پاداش هایی که در روایات برای برخی از مراقبات و اعمال آمده، تعجب می کنند که این همه پاداش برای کسی که یک روز روزه بگیرد یا فلان دعا را بخواند یا... بعد می بینید همان کسی که تعجب می کرد، موفق نشد آن اعمال را انجام دهد. معلوم می شود توفیق می خواهد. باید انسان دست به دامن ولی و حجت خدا و صاحب عصر و صاحب ماه مبارک رمضان شود و از او برای یک ورود مناسب کمک بخواهد.

اجتماع این دو فصل در کنار هم، به ویژه با مطلع سال که ولادت حضرت زهرا



اگر همه‌ی اسباب عیش هم فراهم باشد، باز خوش نمی‌گذرد.

مطرب و ساقی و می‌جمله مهبیاست ولی، عیش بی‌یار مهبیا نشود، یار کجاست؟! «أین یقیئُ اللهُ، این المُضطرَّ».

امیدوارم نظر عنایت حضرت با ما باشد و ایام ظهور را درک کنیم. کسی می‌گفت: کاش ما ایام ظهور را درک نکنیم! شخصی به او گفت: آیا تو ایام غیبت را به‌خوبی درک کرده‌ای که مشتاق ایام ظهور هستی؟! کسی می‌تواند ایام ظهور را به‌خوبی درک کند که ایام غیبت را به‌خوبی درک کرده باشد. در روایت است که کسی که به حقیقت انتظار برسد، به حقیقت فرج رسیده است. اگر تو به حقیقت انتظار بررسی، به حقیقت فرج در عالم معنا رسیده‌ای و فرج شخصی برای تو حاصل شده است. تو به انتظار برس، در ایام ظهور اگر بودی که خوش به سعادتت و واصل می‌شوی. اگر هم نبود، تو را برمی‌گردانند و یک قیامت صغری شکل می‌گیرد و رجعت اتفاق می‌افتد. اگر به حقیقت انتظار بررسی و به آداب آن مؤدب شوی و عمل متناسب با آن را داشته باشی، همین الان برای تو فرج است و در آن فرج کلی هم ان‌شاءالله خواهی بود؛ چه اینکه در دعای عهد می‌خوانیم: «شاهراً سیفی مجرداً قناتی مُلبیاً دَعْوَهُ الدَّاعی». مرده بیدار می‌شود و در مقدم حضرت یار بلند می‌شود و

ابتکاری، حرکتی، نوآوری‌ای داشت. باید تازه‌ای آورد و نو شد به گشاده‌دستی و مهرورزی.

فضای بهار طبیعت، الهام‌بخش کار تشکیلاتی هم هست. هوا و زمین و نور و باران و خاک در هماهنگی با هم بهار دلچسب می‌شوند. یک جاهایی خدای متعال برای اینکه ما متوجه بشویم، یک ناهماهنگی نشان می‌دهد مثلاً سیلی می‌آید و عیش همه را منقص می‌کند یا وسط این گرما، هوا ناگهان سرد می‌شود و همه چیز به هم می‌ریزد. در جایی دیگر همه چیز آماده است، اما زمین هماهنگ نیست. وقتی همه چیز منظم و به قاعده باشد، می‌شود همان چیزی که باید بشود. هماهنگی و نظم و حرکت تشکیلاتی و تقسیم کار و با هم کار کردن نیز این‌گونه است. اگر یکی جلو بزند و یکی عقب بماند، کار به هم می‌ریزد و چیز دیگری از آب در می‌آید.

یادی از بهار حقیقی

سلامی هم عرض می‌کنم به محضر حضرت بهار: «السَّلَامُ عَلَی رَیْعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَهُ الْأَیَامِ». آمد بهار و بی‌گل رویت بهار نیست. بدون ظهور به هیچ مؤمنی خوش نمی‌گذرد، مگر موفق به جلب رضایت حضرت شده باشد. شما هم این احساس دل‌تنگی و غربت را دارید؛ مخصوصاً که در بهار تجدید می‌شود. مثل اینکه آدم مسافرت یا تفریحی می‌رود، اما عزیزترین کس او همراه نباشد. حتی



می‌گوید خاک هم شده باشم، به شوق تو برمی‌خیزم.

همین یادها است که انسان را حفظ می‌کند و نگاه می‌دارد. در سال جدید با خود عهد ببندید که بیشتر به یاد حضرت و مأموریت‌ها و وظایف بزرگی باشید که از سوی حضرت بر عهده‌ی شما است.

این را به عنوان یک گزاره‌ی قطعی بدانید که اگر امروز در رکاب نایش باشید، به حقیقت معنای انتظار دست پیدا کرده‌اید. اگر فکری و قلبی و عملی همراه باشی... ان‌شاءالله همراه حضرت هم خواهی بود و چنانچه نباشی، نیستی. اگر کم در خدمت نایش باشی، در خدمت او هم کم خواهی بود. این شاخص و معیار است؛ زیرا خودشان فرمودند: «فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» [۵] آنان [علما] حجت بر شمایند و من حجت بر آنان هستم». این یک امتحان بزرگ در دوران غیبت است.

معرفی آیه سال

آیه امسال، آیه مهدوی است. یک منشور قرآنی برای خودسازی انصار المهدی است. ما از سوره مائده که آیه سال گذشته در آن بود، خارج نشدیم و امسال هم از همان سوره برایتان می‌خوانیم. سوره مائده، سوره عجیبی است و به نحوی، جمع‌بندی کل قرآن است؛ چراکه آخرین سوره‌ای است که

نازل شده است. جمع‌بندی کل جریان بعثت در این سوره نهفته است و حاوی نکات عجیبی است؛ مخصوصاً در موضوع ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام).

آیه‌ای که برای شما می‌خوانم، به عنوان آیه امسال به محضر همه‌ی عزیزان معرفی می‌شود که آیه ۵۴ سوره مبارکه مائده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَكَاسِعٌ عَلِيمٌ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، به خدا زبانی نمی‌رساند؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراسی ندارند. این، فضل خدا است که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست».

آیه معلوم شد و اما نکته‌ها...

در مورد سوره مبارکه مائده، بیش از این عرض نمی‌کنم و ان‌شاءالله شما با این نگاه که جمع‌بندی کل قرآن است، به این سوره مبارکه مراجعه کنید.

آیه سال گذشته را از دست ندهید. آن آیه، یک آیه راهبردی است. معمولاً





سعی می‌کنم آیات انتخابی برای سال، راهبردی باشد. آیه سال گذشته همچنان در موضوع تدبیر و اقدام باشد. بحث‌هایی تقدیم شد و بنده هم به مناسبت‌ها و در جلسات مختلف، مطالبی را عرض کرده‌ام. منتها از نکاتی که خودم یادداشت کرده‌ام، مطالب زیادی باقی ماند و فرصت نشد که مطرح شود؛ مخصوصاً برای برخی نکته‌ها حسرت خوردم که فرصت نشد مطرح شوند. ان‌شاءالله در فرصتی عرض خواهیم کرد تا ضمیمه شود به آنچه گفته شد و یادگار برای دوستان بماند. آقای نوری و دوستان هم وعده داده‌اند که مطالب را جمع‌بندی کنند تا به صورت یک جزوه، یادگاری پیش دوستان بماند.

از دوستان مرکز قم هم تشکر می‌کنم که زحمت کشیدند و هم کتاب مربی و هم کتاب دانش‌آموزی دادند. شاید عرایض ما هم خوب باشد به عنوان یک کار جمعی ضمیمه آن شود. به هر حال آن آیه را همچنان داشته باشید و به آن مراجعه کنید و فیض ببرید.

تبیین آیه سال

آیه‌ای که برایتان خواندم، خیلی فوق‌العاده است و در نظم سوره قابل ملاحظه است. خدا علامه طباطبایی^(اعلی) الله مقامه الشریف را رحمت کند.

از ابتکارات و نوآوری‌های ایشان توجه به پیوندها و روابط آیات در تفسیرشان است که به نوعی خاتم التفسیر زمان

ما محسوب می‌شود. کارهای بعدی، حتی کار علامه جوادی آملی^(حفظه الله) که کار عظیم و فاخری است، باز هم شاگردی مکتب علامه و بازگشایی همان اسرار است؛ البته با ابتکارات و نوآوری‌هایی که حضرت آقای جوادی دارند. دعا می‌کنیم که تفسیر ایشان به سرانجام برسد و این سفر آسمانی، به لطف خدای متعال به مقصد برسد. در تفسیر ایشان نیز به این پیوندها توجه شده است.

بسیاری از مفسران این آیه کریمه را بدون توجه به آیات قبل و بعد تفسیر کرده و آن را جدا دیده‌اند. اما حضرت علامه این مسئله را مطرح و تحلیلی ارائه می‌کنند. به نظر بنده، آیه به لحاظ ساختاری، خود را مستقل نشان می‌دهد و یک موضوع را شروع و جمع می‌کند. که ما هم در آیات سال معمولاً همین نوع آیات را انتخاب می‌کنیم. و بعضی به خاطر همین مستقل‌نمایی آیه از محیط آیه غفلت کرده‌اند؛ اما اگر با تأمل به آن بنگریم، حکایت از ارتباط عمیق بین آیات قبل و آیات بعد دارد. آیات قبل، بستر ریزش‌ها و آیات بعد اوج رویش‌ها است.

آیه با ریزش‌ها شروع می‌شود و با رویش‌ها ادامه می‌یابد. آیات قبل زمینه‌های ارتداد است که عمدتاً مسئله نفاق به لحاظ درونی و ارتباط با کفار در خطوط تماس است. محصول نفاق اخلاقی و ارتباط با جامعه کفر، ارتداد

تبیین و تفسیر مطلع آیه

این یک بحث مقدماتی بود. حالا وارد مضامین آیه کریمه بشویم که من آن را در سه بخش عرض می‌کنم. یکی مطلع است، دیگری مقصد آیه و بخش سوم هم خاتمه است. این سه بخش در آیه کریمه خود را خیلی نشان می‌دهند.

مطلع آیه این جمله است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ بَرَئِدٍ مِّنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ».

از «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» تا «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» می‌شود مقصد آیه و قسمت پایانی، این است: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». من در این سه بخش عرایضم را تقدیم می‌کنم تا کار دوستان برای طراحی آیه آسان شود.

۱. ایمان، رکن اصلی حیات طیبه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» حاوی شناسه هویتی است. رکن حیات طیبه در این خطاب هست که مسئله «ایمان» است. این خطاب مسئولیت‌آفرین است و در اوج تکریم و احترام و واجد عنصر محرک و پیش‌برنده است. تفسیر و تبیین آن خیلی کار دارد و به گمانم اگر یک عمر راجع به خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» کار بکنیم، باز هم جا دارد. خود را در معرض این خطاب قرار دهید و به آن لیبک بگویید. انشاءالله ما هم جزء مخاطبان آیه کریمه باشیم.

و ریزش است. آیات بعد قله رویش‌ها است و جالب است بلافاصله آیه بعد، این آیه است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ سرپرست و ولی شما، تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند». مسئله ولایت علوی، آن هم در شبکه حزب الله به معنای تام آن، محصول این رویش‌ها است.

این آیه یک هشدار نسبت به ریزش و خطر همگانی است و یک راهنمایی برای رویش؛ یعنی به شکلی نقشه راه، رویش‌های نوبه‌نو در این آیه کریمه تعبیه شده است.

ساختار آیه مستقل است و واجد مؤلفه‌های اصلی در شخصیت فرد و جامعه‌ی مؤمن است. اتفاقاً آیه کریمه از منظر اینکه خطاب عمومی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» دارد، از مؤلفه‌های شخصیت انسان مؤمن تصویرسازی می‌کند و در عین حال به اعتبار کلمه‌ی «قوم» دقیقاً شبکه و اتصال اجتماعی و شکل‌گیری جامعه مؤمنانه را در بر می‌گیرد.

همان‌طور که عرض شد، هم حاوی انذار است و هم بشارت. با انذار شروع می‌شود و با بشارت ختم. به نظر من مؤلفه‌های اصلی و ریشه‌های تمدن اسلامی در این آیه کریمه، خلاصه و جمع‌بندی شده است. این آیه کریمه حاوی آینده‌شناسی و آینده‌سازی است.



چراکه عوامل ارتداد همیشه فعال هستند. این بیداریش برای شناخت زمینه‌ها و عوامل است تا دائماً مراقب باشیم چه چیزی در این راه پوست خریزه است.

کسانی که بیشتر در معرض ارتداد و ریزش هستند، یا مشکل شناختی دارند یا گرفتار ضعف باور هستند یا گرفتار سستی در عمل. خلاصه‌اش همان کلمه‌ای است که قرآن کریم استفاده می‌کند و تحلیل تفصیلی دارد و آن هم مسئله‌ی «نفاق» است. نفاق مراتب دارد. معمولاً در زمان ما این طور است که تا می‌گویند نفاق، ذهن ما سمت سازمان منافقین می‌رود و خود را مبرا می‌کنیم؛ اما تا به ایمان خالص کامل نرسیده باشید، رشحه‌ای از نفاق در قلب شما است. بنابراین همه‌ی ما که اینجا هستیم، نفاق داریم؛ لذا زود خودت را کنار نگذار. ایمان تا به خلوص کامل نرسد، رشحاتی از نفاق در آن است. وقتی غفلت کنیم و این ویروس نفاق تقویت شود و میدان پیدا کند و مستقر شود، تا ما را مرتد نکنند، دست بر نمی‌دارد و یک دفعه می‌بینی ساقط شدی.

خدا مرحوم آیت الله بهاء‌الدینی (اعلی الله مقامه الشریف) را رحمت کند؛ می‌فرمود: «فیلم بازی نکنید». انسان وقتی در شخصیت خودش به نفاق میدان دهد، به همین فیلم بازی کردن مبتلا می‌شود. در واقع همان ادعای بدون پشتوانه است که حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: «هَلِكَ مَنْ ادَّعى وَ خَابَ مَنْ

در روایت است که وقتی اولیای خدا می‌خواندند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، می‌گفتند: «لبیک».

۲. هیچ‌کس نباید خود را از خطر ارتداد مصون بداند

نکته بعدی مسئله انذار است: «مَنْ يَرْتَدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ». مسئله، مسئله‌ی ریزش‌ها است. این اصطلاح ریزش‌ها و رویش‌ها تعبیر رهبر عزیز و عالی‌قدرمان است. مسئله‌ی ریزش‌ها یک واقعیت است؛ اگر چه تلخ است. ممکن است از هر جای مسیر ایمان، انسان یا جامعه‌ی مؤمنان متوقف شوند و حتی برگردند. بازگشت به جاهلیت به صورت جمعی، واقعیت تاریخی دارد و به صورت فردی هم کم نبوده‌اند افرادی که از صراط مستقیم خارج شده‌اند. این احتمال همیشگی است و برای همه هم هست؛ چراکه خطاب به مؤمنان در تمام تاریخ است.

«مَنْ يَرْتَدْ» هر کسی غیر از معصومین می‌تواند باشد. همه در معرض این گرداب هستند و یک بانگ بیداری و بیداریش برای حفظ ایمان است تا جامعه‌ی مؤمنان دائماً نگران ایمان خود باشند و هیچ وقت به حالت امنیت خاطر نرسند. اگر کسی به امنیت خاطر برسد و احساس کند که ایمانش حفظ می‌شود و همواره بیمه است، ساقط می‌شود. همه در معرض خطر هستند و باید همیشه چشم خود را باز کنند؛



اَفْتَرَى؛ [۶] مدعی به ناحق هلاک شد، و دروغ‌باف زیان دید.

نفاق بستر نفوذ است؛ اما عوامل بیرونی که جریان کفر باشد، اعم از شیاطین جن و انس، چه به صورت فردی و چه اجتماعی، مخصوصاً در مدل اجتماعی‌اش که شیطان بزرگ و استکبار باشد، فعال هستند و کسی که در را به روی شیطان اکبر باز می‌کند، شیطان داخلی است. اگر این در را باز نکند، او نمی‌تواند نفوذ کند. غرض اینکه از آنجا نفوذ اتفاق می‌افتد و می‌شود آنچه نباید بشود؛ بنابراین نباید آن را دست کم گرفت. شما باید خود را مخاطب این آیه قرار دهید. خطر داخلی که جریان نفاق باشد و خطر بیرونی را که جریان کفر باشد، هیچ وقت نباید دست کم گرفت.

ارتداد موجب حسرت عظمی می‌شود. کسی که از اول مؤمن نبوده، یک حسرت دارد و کسی که از اول مؤمن بوده و بعد کافر شده، حسرت او عظمی است. احکام فقهی ارتداد هم خیلی عجیب است و وقتی احکامش را بخوانی، متلاشی می‌شوی. احکام فقهی ارتداد رمزگشایی از عمق خود فاجعه می‌کند. این خسران دنیایی‌اش است؛ خسارت آخرتی‌اش بماند. پس باید گفت: **«اعوذ بالله من حسره العظمی»** که ما در دعای هشتم صحیفه به آن خواهیم رسید. اینجا بلافاصله سنت الهی «تبدیل» مطرح می‌شود. چنانچه از دین خدا خارج شدی، کس دیگری را جای تو

می‌گذارند تا راه ادامه یابد. یعنی اراده الهی با دیگران محقق خواهد شد و همه لشکر خدا هستند: **«وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ [۷]** لشکریان آسمانها و زمین از آن خداست». خدا دین خود را یاری می‌کند. اگر تو دین خدا را یاری کردی، خوش به سعادت تو، و اگر تو نبودی، ضربه‌ای به دین نمی‌خورد و دین در امتداد تاریخی خودش به مقصد خواهد رسید و فقط تو از شرف نصرت دین الله محروم شدی.

این نوع تعبیر، عجب‌شکن است؛ زیرا بزرگ‌ترین خطر برای جامعه‌ی مؤمنان که باعث ریزش است، عجب است. این آیه شریفه عجب‌شکن است. آرمان‌های توحیدی و ایمانی با همراهانی عاشق به مقصد خواهد رسید؛ چه جنابعالی باشید، چه نباشید؛ چه جامعه‌ی شما باشد، چه نباشد.

این آیه مصداق تاریخی جدی در صدر اسلام دارد و می‌شود گفت آیه شریفه، به نحوی آینده‌نگاری و پیش‌گویی کرده است. مصداقش بازگشت از ولایت الهی و آن فتنه عظمی است که بعد از رحلت حضرت رخ داد. مقدمات آن با همدستی جریان کفر و نفاق در دوران خود حضرت ریخته شد و با رحلت حضرت تحقق پیدا کرد. در روایت است که: **«أُرْتِدَّ النَّاسُ؛ [۸]** مردم مرتد شدند»، البته **«إِلَّا ثَلَاثَةً أَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانَ وَ الْمِقْدَادَ»** هم دارد؛ اما شما خیلی روی آن عدد دقیق نشوید؛ بلکه این یعنی واقعاً



استفاده شده؛ یعنی در آینده که هر چه امتداد پیدا کند، در آن گنجانده می‌شود. این به نحوی سرّ غیب است. به قول حافظ: «مشو نومیذ چون واقف نیی از سرّ غیب، باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور». خبرهایی هست. **باذن الله تبارک و تعالی** نطفه جامعه‌ای شکل خواهد گرفت که به مراتب بهتر از جامعه صدر و مؤسس است و آرمان‌های الهی و توحیدی را به مقصد خواهد رساند. خدای متعال دین خود را تنها نمی‌گذارد؛ منتها انسان در صورت عدم یاری دین خدا، از شرف این قوم باز می‌ماند.

من از کلمه‌ی «یأتی» ناگهانی بودن راه می‌فهمم. همه متحیر می‌شوند وقتی این قوم از راه می‌رسد. در آیه کریمه دیگر فرمود: «ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ» [۱۰] اینها مثل شما نیستند. تعبیر می‌کنیم به قوم خداداد. می‌گویند فلانی خداداد است؛ یعنی پدر و مادرش هم فکر نمی‌کردند چنین چیزی نصیبشان شود. پس اینجا حکایت از اراده قطعی و حتمی حضرت حق برای رسیدن به روز خوش و روز موعود دارد و دین خدا توسط این قوم به طور واقعی محقق خواهد شد.

کلمه «قوم» آمده و فرموده «الذین»؛ یعنی اولاً اینها جمع هستند؛ ثانیاً به هم پیوسته‌اند و حاکمیت و زمین دارند و به طور گروهی و جمعی از سازماندهی و ارتباط ریشه‌ای و سرزمینی بهره دارند. مثلاً قوم بنی اسرائیل ریشه

کسی نماند. از آن خیل عظیم چند ده هزار نفری بیعت کرده در غدیر، چند نفر بیشتر نمانند.

کلمه‌ی فتنه را هم از خود قرآن کریم وام گرفته‌ام که فرمود: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» [۹] و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید». در حرکت‌های جمعی تاریخی، اگر جامعه‌ای در ارتباط با ولایت الهی کم بگذارد، فتنه رخ می‌دهد. فتنه، تاریخ‌سوز است، نه فقط جامعه‌سوز. اگر آتش فتنه، یعنی خروج از ولایت الهی، شعله‌ور شود، تاریخ‌سوز است و همه را خواهد سوزاند. البته مسئولیت آن به عهده فتنه‌گران است. از کلمه فتنه در مورد جریان ۸۸ هم هیچ وقت عبور نکنید. قصه شبیه آن بود؛ اما اینجا مهار شد. آقا فرمودند فتنه مهیب ما را به لب پرتگاه برد و دو قدم دیگر رفته بودیم، جامعه ما فرصت نصرت دین خدا را مانند جامعه صدر اسلام از دست می‌داد و آن وقت جامعه دیگری باید به جای ما تعریف می‌شد.

۳. بشارت آینده درخشان

نکته‌ی بعدی بشارت است که در مطلع است: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ»؛ این بشارت یک آینده درخشان است که با لطف خدای متعال محقق خواهد شد. عبارت «یأتی الله» خیلی عجیب است و من مدت‌ها است که محو و مات این عبارت هستم. از کلمه «سوف»



و سازمان‌دهی و سرزمین و تاریخ و مینا دارد.

از این آیه کریمه که از آیات مهدوی قیصر آن است، استفاده می‌شود که «**يَا أَيُّهَا اللَّهُ بَقُومٍ**» ظاهراً پیش درآمد ظهور است و قومی هست که پیشگامان عصر ظهور و مقدمه‌ساز ظهور است. آنان انصار المهدی هستند و با هویت ناب علوی، طلایه‌دار عصر ظهورند و شناسه‌ی آنها، سلمان است. به شأن نزول آیه کریمه مراجعه کنید که حکایت از ایران و فارس دارد. یک رویش شگفت‌انگیز و اعجاب‌آور و ناگهانی وسط یک عصر تاریک، به یک باره رخ می‌دهد که نفس کفار گرفته می‌شود و تا مدت‌ها اینها نمی‌فهمند که چه شده است. زمانی که اصلاً فکرش را نمی‌کنند، این اتفاق رخ می‌دهد. هر وقت دهه‌ی فجر می‌شود، به «**يَا أَيُّهَا اللَّهُ**» فکر می‌کنم.

یاد حضرت موسی می‌افتیم که وقتی آمد، فرعون به او گفت: تو را که خودمان بزرگ کرده‌ایم. فکر نمی‌کردیم که بساط ما را به هم می‌ریزی! تو ژاندارم ما بودی و دم دست ما بودی. روایات شأن نزول، راهنماهای عجیبی برای فهم معانی آیات کریمه قرآنی هستند و باید در جای خودش بحث مستوفی بشود در مورد این ظرفیت عظیم که از طریق آل الله در اختیار ما قرار گرفته است.

روایات شأن نزول این آیه کریمه، در هم تنیده و نیاز به مباحثه دارد؛ اما سه

کلمه در کنار هم هست. اول علی ابن ابیطالب (علیه السلام) که یکی از روایات شأن نزول در مورد حضرت است که وقتی همه در جریان خیبر بریدند، پیغمبر گفت: فردا کسی می‌آید که «**يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ**، و **يُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ**». [۱۱] دوم، حدیث امام باقر (علیه السلام) است که فرمود: خصال انصار المهدی در این آیه آمده است. سوم سلمان و قوم او است. این سه کلمه را با هم ترکیب کنید و ببینید چه می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران و زمینه‌سازی برای ظهور

بر اساس مقدمات و بشاراتی که پرخ داده است، منظور از «**فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ**»، با دلایل خیلی زیاد، انقلاب اسلامی ایران و ایرانیان این روزگار و امام راحل عظیم الشان و شکل‌گیری ناگهانی یک حکومت علوی و فاطمی و حسینی در عصری است که هیچ کس فکرش را نمی‌کرد.

وقتی خصال را می‌خوانیم، بر این قوم نشان‌دار خوشبخت سعادت‌مند خیلی تطبیق می‌کند. همین‌جا یک جمله را بگویم و خیال خودمان را راحت کنم: به رغم همه‌ی آن بشارت‌ها و دلایل و شواهد، چه به لحاظ حدیثی و چه به لحاظ اشارات قرآنی، «**مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ**» سر جای خودش است. این را یادتان باشد. این طور نیست که تضمین



اتفاق بیفتد، تاریخ‌سوز است؛ لذا باید مراقب آن بود.

ترفندهای جدید استکبار برای مقابله با ایران

الان هم جریان استکبار همان طور که آقا فرمودند، دنبال فتنه تازه و پیچیده‌تر است و مقدماتش را دارد شکل می‌دهد. باید هم بیدار باشیم و هم بیدار کنیم. واضح‌تر بگویم که دوستان من بدانند، فتنه عظمی، فتنه اتراف است که نص قرآن کریم است و اگر جریان اتراف و مترفین در جامعه فعال شوند، حتماً ریزش جمعی کلی اتفاق خواهد افتاد. آقا بیدارباش‌هایی داده و فرموده‌اند ممکن است یک عمامه به سر هم بر سر کار باشد، اما سیرتی دیگر در کار نیست و آن جامعه نمی‌تواند زمینه‌ساز عصر ظهور باشد. اخیراً دقت کردید در پیام مربوط به مجلس، مسئله خوش‌گذرانی و خوش‌گذران‌ها را مطرح کردند. آن پیام خیلی دقیق است و باید روی کلمات آن دقت کرد. آریستوکراسی با لعاب دینی! خیلی خطرناک است؛ لذا وقتی بعضی‌ها اول سال می‌روند کیش، پیامش بد و تلخ است. تو اگر می‌خواستی پیام خوب بدهی تا انسان دلش آرام شود، باید همپای بچه‌های جهادی می‌رفتی اطراف خراسان جنوبی و نهبندان یا کرمان و سیستان و بلوچستان؛ یا می‌رفتی محضر حضرت آقا کنار حرم ثامن الحجج

شود. اگر در این زمان ریزش داشته باشیم، دوباره «سوف» برای عده‌ای دیگر فعال می‌شود و البته ممکن است آنها هم طبق همین شواهد، از ایران باشند. در روایات داریم که بارها زمان فرج نزدیک شد، اما کوتاهی کردید و تأخیر شد؛ لذا من همیشه وقتی بشارت‌ها را می‌دهم، یادآوری می‌کنم که «مَنْ یَرْتَد مِنْکُمْ» سر جای خودش است. همه‌ی این فداکاری‌ها و شهید دادن‌ها درست است، اما به شرط آنکه با وفا سر پیمان بمانند و گرنه...

سنت‌های الهی سر جای خودش است و به وقتش هم فعال می‌شود. بعضی‌ها طوری مسئله را تحلیل می‌کنند که انگار دیگر مسئولیتی ندارند؛ اما اگر ریزش و فتنه (ریزش جمعی) رخ بدهد، لب پرتگاه می‌رویم. کسانی که جامعه را لب پرتگاه بردند، خیلی کثیف و پلید و سیاه و ساقط هستند. این روزها به قول حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌بینیم که شیاطین سر از سوراخ‌ها در آورده و دوباره دارند در جامعه ناله می‌کشند. برخی از آنها که از عناصر خیلی فعال بوده‌اند، دارند برمی‌گردند.

فتنه این طور است و وقتی توبه سمت عهدشکنی با ولی رفتی، مقدمات فتنه شکل می‌گیرد و ریزش هم جمعی است. در ریزش فردی یکی می‌افتد و پا می‌شود و دیگری دست او را می‌گیرد و توبه می‌کند یا حلف می‌شود؛ اما ریزش جمعی اسمش فتنه است و اگر



(علیه السلام). اما وقتی خبر از آنجاها داده می شود، پیام بدی است و باید مواظب این قصه باشیم.

تعبیر دقیق قرآنی است که: «أَمْرُنَا مُتْرَفِيهَا» [۱۲] بخواهیم یک جامعه را زمین بزنیم، مترفین آنها را فعال می کنیم. این یک امر تکوینی است که دارد از سنت پرده برداری می کند. اگر دیدید جریان اتراف دارد در جامعه فعال می شود، خیلی بترسید. کم کم می شود گفتمان در جامعه و بعد یک عده هم اصلاً ناراحت نمی شوند و اصلاً خجالت نمی کشند. کسانی که با ماشین های میلیاردی و یراژ می دهند، خجالت نمی کشند. وقتی می خواهیم پس ابرجامی از کار کشور گره گشایی کنیم، مسئله می شود خرید هواپیما و کنارش عکس هم انداختند و هنوز هم نیامده و معلوم هم نیست بیاید و ان شاء الله هم نیاید؛ چون مشکل ما این نیست. این نگاه که حاکم شود - مخصوصاً اگر در بین مسئولین اتفاق بیفتد - بنیه کشور از نظر قدرت ملی تضعیف می شود؛ چرا که بنا بر نص قرآن کریم اقتصاد قوام است. چرا آقا چند سال است بر مسئله اقتصاد تأکید دارند؟! این نص قرآن کریم است که: «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» [۱۳] و اموال خود را - که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده - به سفیهان مدهید».

اگر شما می توانید روی پای خودتان بایستید، به خاطر مالی است که خدا به

شما داده است. فقیر، فقیر نامیده می شود، چون ستون فقرات او شکسته است؛ آن چیزی که او را نگه می داشت، ستون فقرات او بود. قرآن می گوید مالتان را به دست سفها ندهید که اگر دست سفیه افتاد، ستون فقرات شما می شکند. شما ضعیف که شدید، کارتان تمام است. هر چه قدر هم فرهنگ و اخلاق داشته باشید، باز هم از دست رفته اید.

خدا نکند بیت المال دست سفها و مدیران ضعیف و ترسو و خوش گذران بیفتد. آن وقت یک کشور با سرمایه های فوق الارضی و تحت الارضی فوق العاده ای که دارد و در برابر مستکبران عالم قدرت نمایی می کند، ستون فقراتش می شکند و اگر شکست، به آن قوامی که بتواند در امتداد تاریخ نقش آفرینی کند، نمی رسد. این است سر اقتصاد مقاومتی که آقا می گویند نقشه ی راه است و نجات کشور وابسته به آن است. بعضی ساده لوح ها می گویند یک ذره هم از فرهنگ بگویید. آقا جواب دادند که حتی فرهنگ ما هم وابسته به اقتصاد است. این آسیب های اجتماعی بدون اقتصاد قوی مگر قابل مهار است؟ اشتغال و سلامت و امنیت جامعه و پژوهش ها و توسعه علمی مبتنی بر پشتیبانی های اقتصادی است. چقدر ابتکارات و اختراعات جوانان ما روی زمین مانده و می گویند پول نیست و بودجه نداریم. لذا اقتصاد مقاومتی کامل و دقیق و منطبق بر اقتصاد درون زای برون گرا تعریف شده که تحریم ناپذیر



با شد.

مرور شعار سال

پس از تبیین اقتصاد مقاومتی، آقا فرمودند: اقدام و عمل. الان کشور نسخه خوب در حوزه اقتصادی دارد که شسته و رفته و تمیز است و ممکن بود بعضی‌ها سراغ مطالعه و پژوهش و همایش و کارگاه و هم‌اندیشی بروند و در عمل مشغول کارهای دیگر باشند؛ لذا فرمودند: اقدام و عمل و حتی به این هم اکتفا نکردند. آقا خیلی بیدار و حکیم است و خدا همه چیز به ایشان داده است. دشمنان ما بهتر می‌فهمند که خدا به آقا چه داده و دوستان هنوز نفهمیده‌اند و شاید به این زودی هم نفهمند. جریان نفوذ را که حضرت آقا دست بر نمی‌دارند و دائم هم مطرح می‌کنند و فرمودند به بعضی‌ها برمی‌خورد و برایشان گران می‌آید. همه‌ی اینها درس و مشق و تکلیف ما در سال ۹۵ است و مجموعه‌ای مثل ما وظیفه‌های بزرگ دارد. بعد هم آقا ده تا مصادق برای عمل دادند تا نه برای مجلس آینده و نه برای دولت فعلی و نه برای دست‌اندرکاران، حجتی باقی نماند و اتمام حجت کامل شد. ادبیات برجامی خیلی خطرناک است. اگر آقا اجازه داده بودند، برجام ۲ و ۳ و ۴ هم در پیش بود. برجام ۲ را که بعضی‌ها اعلام کرده بودند. برجام نسخه‌ای بود که در بیرون برای ما نوشته شد؛ هر چند با حضور ما و همین خطرناک



است. ما باید برنامه خوشبختی خودمان را در پیوند با جامعه جهانی داشته باشیم. برجام ۲ یعنی ادامه اعتمادسازی با جامعه جهانی و شما بخوانید آمریکا. لابد باید در ۲ و ۳ و ۴ و حقوق بشر و... یکی یکی برجام درست کنیم و فاتحه ارزش‌های کشور را بخوانیم.

به هر حال، آن چیزی که همه را سر خط می‌آورد، اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل است؛ البته اگر به گفتمان ملی تبدیل شود. جای اتحادیه اینجا است که گرفتار فریب نشوند و خوب بفهمند اقتصاد مقاومتی و شاخصه‌های آن چیست. این شناخت در مطالبه‌گری هم نقش دارد. وقتی این مطالبه مخصوصاً در نسل جوان اتفاق بیفتد، خیلی مؤثر است. اگر جوان بفهمد که آینده او در گرو اقدام و عمل امروز مسئولین است و چنانچه مسئولین امروز کوتاهی کنند، هم فردای آرمان او و هم فردای معیشت او از دست رفته است، دیگر آرام نخواهد نشست.

وظایف انجمن‌های اسلامی در سال ۱۳۹۵

حال تصور کنید انجمن‌های ما مرکز القای این فهم در جامعه جوان کشور بشوند، چه اتفاقی می‌افتد؟ قرارگاه جنبش، دستور کارش از اول تا آخر امسال، «اقتصاد مقاومتی» با این رویکرد است تا تیر خود را به سینه استکبار جهانی بزند. آقا تیر را از کمانه رها کرده‌اند، حال ما

دارد و آن هم اینکه بال رحمتشان بالای سر مؤمنان ضعیف گسترده می شود و کسانی که در یمن و عراق و سوریه هم هستند، زیر این بال قرار می گیرند. این قوم مسئولیت جهانی و ایمانی دارد؛ زیرا می خواهد عملیات تمهید انجام دهد. «علی» اینجا معنای استعلا دارد و به معنای دست برتر در محبت و خاکساری است. آنها چتر محبت و انعطاف و دوستی خود را بالای سر مؤمنین قرار می دهند.

۳. «أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛ نفوذناپذیر هستند.

۴. «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ زندگی شان روی دوش شان است، نه زیر پایشان. اگر زندگی زیر پا باشد، قاعد هستی و اگر زندگی روی دوش باشد، مجاهد هستی. اینها اهل کوشش و تلاش و اجتهاد فی سبیل الله هستند.

۵. «وَأُولَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَّائِمَةً»؛ در برابر یک نبرد بسیار سنگین و مهیب و زمین گیرکننده به اسم جنگ نرم و جنگ سرد هستند و در برابر این نوع جنگ، شجاع هستند و نمی هراسند. آینده جنگ اصلی در امپریالیسم رسانه ای و فضای مجازی و رسانه های است. اسمش دنیای مجازی است، اما جنگ حقیقی شما آنجا است. آنان مجاهدان سایبری هستند که در برابر گفتمان سازی دشمن می ایستند.

ملاحظه فرمودید که در این پنج گانه، مؤلفه های اصلی فرد و جامعه مؤمن

باید آن را به هدف برسانیم. سهم عملیات ما اول گفتمان سازی و مطالبه گری است و سهم دیگر ما اولاً عبارت از فرهنگ سازی برای مسئله صرفه جویی و قناعت است؛ دقیقاً نقطه مقابل گفتمان اتراف و تجمل گرایی که مانند یک سیل در جامعه است. دوم ترویج روحیه کار از این طریق که بچه های ما سراغ مهارت های درآمدزا بروند و این را قبلاً به دوستان گفته ام؛ هر بچه انجمنی، یک یا چند مهارت مفید داشته باشد.

اتاق فکر ما شما هستید؛ لذا دوستان یک بسته درست کنند شامل همین چند مورد که عرض کردم تا مبتکرانه و خلاقانه به یک جمع بندی برسند. همان طور که آقا فرمودند، باید اقدام و عمل دولت، پایان سال گزارش شود و ان شاء الله اقدام و عمل ما هم پایان سال گزارش شود.

پنج ویژگی انصار المهدي

برگردیم به آیه...

فصل اول آن مطلع و طلوعه بود که بیانش گذشت و مقصد هم ویژگی های انصار المهدي یا قوم برگزیده بود که پنج ویژگی برایشان مطرح شده است:

۱. «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»؛ خدا آنها را دوست دارد و آنها هم دوستدار حق هستند.

۲. «أَذَلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»؛ در مناسبات با مؤمنین، رام و زیر دست و خاکسار و مهربان هستند. این یک معنای ظریفی





برگزیده ارائه شده و از دل ارائه این مؤلفه‌ها، ارکان اصلی منشور خودسازی مهدی‌یاران به دست می‌آید. اگر بنا است کسی یا جامعه‌ای به یاری امام زمان برود، باید این پنج ویژگی را در خودش ایجاد کند و دائم روی آنها کار کند.

ما از دل اینها منشور تربیت مهدوی را استخراج می‌کنیم که یک مصداق برجسته تاریخی دارد که قله است و باید دائم در چشم باشد که «انصار الحسین» است. آنها قله بودند و ریل تاریخ را دوباره در مسیر صحیح آوردند؛ و الا کار اسلام تمام بود. آن کار را حسین بن علی با یارانش انجام داد. آنها عاشق پیشه بودند و با عشق شروع کردند. **صدر اعظم خصال انصار الحسین و انصارالمهدی** «عشق» است و عناصر عاشق پیشه می‌توانند این راه را به سر انجام برسانند. از همین جا ارکان اصلی شکل دهنده سبک زندگی و هویت و سیرت و روح تمدن اسلامی به دست می‌آید و استخراج می‌شود. من اینها را با تأمل چندساله گفتم. این اتفاق بزرگ در بستر آن ایمان باطراوت و حفاظت شده رخ می‌دهد.

سخن پایانی

این هم بحث مقصد بود؛ اما بحث خاتمه که تشریح دارد و در وقت خودش انجام می‌شود و خیلی شوق‌انگیز است. در خاتمه آیه «ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ

يَشَاءُ» آمده است. قرآن از عجب‌شکنی دست برنمی‌دارد. الان می‌گویند شما فکر کردید خودتان بودید که شهید دادید و خدمات داشتید و وفاداری کردید و...، اینها همه از فضل خدا است؛ همه منابع را خدا داده است. از زمان حضرت رضا (علیه السلام) با طراحي الهی و به لحاظ ژنتیک، جامعه ایرانی به اهل بیت گره می‌خورد و سادات به ایران می‌آیند و ازدواج می‌کنند و... یک وقت کسی گفت: اکثر جامعه ایران سید هستند. گفتم: وجه استدلال چیست؟ گفت: شما در جمعی که الان نشسته‌ایم، پنج شش تا سؤال را امتحان کن و بگو سیدها دست بلند کنند، بعد کسانی که خانمشان سید هستند و بعد بگو کسانی که مادر بزرگشان از سادات هستند و... به اینجا که رسید، گفتم: من هم هستم. مادر بزرگ ما علویه‌ای بود. غرض اینکه اینها طراحي الهی است. تطور تاریخی و مقدمات و رکن هویت رضوی و سرزمین و منابع و استعدادها، همگی را خدا داده و «فضل الله» است. رهبری الهی امام روح الله و امام سیدعلی، همه «فضل الله» است.

عبارت «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» هم که پایان آیه آمده، لطیف است و نویدبخش توسعه ظرفیت‌ها؛ یعنی هر چه شما از خودتان استعداد نشان بدهید، خدا توسعه می‌دهد و بیشتر می‌کند و گسترده‌تر می‌دهد. یک جبهه را جلو می‌روید، می‌بینید ده تا جبهه دیگر پیش چشم

شما باز شد.

معرفی سوره سال

و اما سوره امسال...

روشی از سال گذشته باب شد که به آیه اکتفا نکنیم و البته ذیل آیه امسال، استخراج‌های زیبایی می‌شود انجام داد و فهرست‌های زیبایی ساخته می‌شود. این آیه باید کاملاً عملیاتی در دسترس بچه‌ها قرار بگیرد. پارسال در جلسه و بدون هماهنگی قبلی، سوره انسان انتخاب شد. سوره امسال به لطف خدای متعال، سوره مبارکه ملک است که البته به نفع بعضی‌ها است که حفظ هستند و بعضی‌ها هم اگر حفظ نیستند، اما انیس داشته‌اند. اولین سوره جزء ۲۹ است و ۳۰ آیه دارد. مکی کامل است و فوق‌العاده سازنده و پر فضیلت است و یک نوع لوح فشرده معارف الهی است. در خداشناسی و هستی‌شناسی و معادشناسی فوق‌العاده است و در انذار کافران هم که تیر خلاص را می‌زند. جالب است که فوق‌العاده مورد تأکید اولیای خدا برای تلاوت و حفظ است. اسم‌های متنوع و جالبی دارد؛ نظیر تبارک و مانعه. در روایت داریم: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ تَبَارَكَ فَكَانَ مَأْمُوراً بِأَلْفِ نَفْسٍ»، [۱۴] اگر کسی این سوره را با تأمل و تدبیر و فهم و به قصد عمل بخواند، مثل آن است که شب قدر را احیا داشته است. جالب است که این سوره با شب قدر گره می‌خورد.

بیانی هم از پیامبر عزیزمان است که: «وَدِدْتُ أَنْ تَبَارَكَ الْمَلِكُ فِي قَلْبِ كُلِّ مُؤْمِنٍ»، [۱۵] من دوست دارم این سوره در قلب همه‌ی مؤمنین باشد؛ یعنی حافظ باشند. اسم مانعه را حضرت امام باقر (علیه السلام) روی این سوره گذاشته‌اند؛ چراکه ظاهراً اگر کسی اهل این سوره شد، برزخش در صیانت است و مانع از عذاب قبر است و سپر حفاظتی برای او درست می‌شود. اگر از آن مخاطرات سخت پیش رو می‌ترسید، این سوره را دریابید.

امیدوارم در مورد این سوره، هم در حفظ سراسری و هم کارهای پیرامونی، اعم از تفسیر و تدبیر و نکته‌یابی، اتفاقات خوبی در مجموعه ما بیفتد.

در جلسه اول سال، گله نکنم بهتر است؛ ولی واقعاً ظرفیت ما در تشکیلات از جهت سازمان‌دهی و انسجام و قرارگاه و شبکه و نیروهای آماده، به لطف خدای متعال درست شده است که آیه و سوره سال داریم. لذا وقتی می‌گوییم سوره امسال، سوره ملک باشد، باید اتفاقات خیلی خوبی بیفتد؛ نه اینکه فقط حفظ کنیم. حفظ کافی نیست. مگر نه اینکه اولویت عملیات فکری تربیتی ما کار قرآنی است؛ خب بسم الله. همین سوره مبارک را بگیرید. صد نوع کار می‌شود با آن کرد؛ از مسابقه و تأمل و تدبیر و نکته‌یابی و مصداق‌یابی و نگاشتن و... مقداری از سوره قبل طولانی‌تر است. بینیم ان شاء الله دوستان با این آیه و این



سوره چه خواهند کرد.

لزوم تبیین و ترویج سخنان مقام معظم رهبری

می‌خواستیم در مورد شعار سال صحبت کنیم که صحبت شد. گفتمان اقتصاد مقاومتی ذیل گفتمان کلان انقلاب اسلامی است که هوشمندانه توسط رهبری برای سال‌ها تعریف می‌شود و من دیگر بر نمی‌گردم، فقط یک جمله شاید گفتنش خوب باشد و آن اینکه آقا (رحمۀ فداء) دو سخنرانی بسیار تعیین‌کننده در نزدیک زمان ما داشته‌اند: یکی در جلسه خبرگان که بیانات آنجا خیلی مهم و عجیب و فوق‌العاده است. در آن رهبری و افشاگری و نکته و گله و همه چیز هست و بیانات بسیار وافی و شافی است. دوستان از آن عبور نکنند. پایان آن مطالب سه اولویت مطرح شد: ۱. اقتصاد مقاومتی؛ ۲. حرکت شتابنده علمی؛ ۳. صیانت از هویت نسل جوان و هویت ملی با تأکید بر جوان. اینها اولویت‌های کشور است. آن مطالب از این جهت که پسا انتخابات بود، یک نوع جمع‌بندی است که ان‌شاءالله دوستان مراجعه کنند. دومین سخنرانی، سخنرانی نوروزی در حرم مطهر رضوی است که بیانات حضرت آقا آنجا خیلی عجیب بود؛ از این جهت که خیلی صریح بود و صراحت خاصی داشت؛ آن قدر که بعضی مخاطبان تاب نیاوردند و ضمیر مرجع خودش را پیدا کرد. خواهش من



این است که دوستان، تحلیلی را که به عنوان مقدمه شعار سال مطرح شد، به عنوان کار جدی ما در فضای دانش‌آموزی بدانند. خیلی زیبا بود. دشمن ما را سر یک دو راهی قرار می‌دهد و این دوگانه را مطرح می‌کند که یا تسلیم یا تحریم. بعد این را تشریح کردند و فرمودند: اما راه ما مقاومت است و این را استخراج کردند و با نیاز امروز که عرصه اقتصادی است، تطبیق دادند. آن تحلیل، یک تحلیل فنی شسته و رفته و کاربردی است.

من دائم نگران حال ایشان بودم. ایشان کمی هم سرماخوردگی داشتند و گاهی سینه هم مزاحمتی درست می‌کرد؛ ولی بحمدالله با آن اوضاع، شسته و رفته و کامل، مطلب را مطرح کردند و هیچ چیز جا نماند. آن تحلیل به ما روش تحلیل سیاسی را هم آموزش می‌دهد. نباید به آن تحلیل بی‌اعتنا بود. خیلی‌ها علاقه‌مند هستند که به فراموشی سپرده شود. فکر می‌کنید چند درصد جامعه ما این صحبت را در فضای اول سال شنیده است؟ چند درصد خلاصه‌اش را شنیده است؟ چند درصد دریافت کرده و چند درصد مضامین و حاشیه‌های آن را گرفته است؟ همین طور که من جلو می‌روم، تقلیل پیدا می‌کند. در فضای عید و مسافرت نوروزی و دید و بازدید و... من فکر می‌کنم فقط همان عده‌ای که در آن جلسه تشریف داشتند، آن را دریافت کردند. لذا عده‌ای خیلی خوشحال می‌شوند که این بیانات

گفته‌اند که شخصیت آقای خامنه‌ای را مطالعه کنیم که چطور توانسته ایران را این قدر امن نگاه دارد. پژوهشکده‌های فراوانی روی این قصه کار می‌کنند. یکی از عناصر اصلی قدرت ملی ما در بحث امنیت، موشک است که خدا رحمت کند مجاهدان شهیددی که در این عرصه کار کردند؛ مخصوصاً شهید تهرانی مقدم و کسان دیگری که ناشناخته مانده‌اند.

هشت نه سال پیش رفتیم برای دیدن وضعیت موشکی کشور. وقتی از آنجا آمده بودم، نمی‌توانستم راه بروم. حس غریب و عجیبی داشتم و هوش آقا در راهبری امنیت کشور را تحسین می‌کردم. حضراتی که پز می‌دهند که ما چه می‌کنیم و چه می‌کنیم، شوخی می‌کنند. اگر ما اینها را نداشتیم، اصلاً کسی با ما مذاکره می‌کرد؟! آقا روی بحث‌هایی که به امنیت ملی برگردد، فوق‌العاده حساس است. کسی که می‌گوید آینده، آینده مذاکره است، نه موشک؛ چون کلمه‌ی موشک را استفاده کرد، اگر هدفش هم چیز دیگری است، اشتباه کرده و گرا دست دشمن داده است. در داخل کشور هم یک موج راه می‌افتد که چه کسی گفته ما باید موشک داشته باشیم. همان طور که یک وقتی می‌گفتند چه کسی گفته ما باید انرژی هسته‌ای داشته باشیم. آقا دیدند قصه‌ای دارد باز می‌شود که می‌خورد به ناموس امنیتی ما که این موشک‌ها باشد؛ لذا فرمودند: کسی که

در همان فضای اول سال بماند. بستر صحبت چه بود؟ آقا پشت سر هم و جامع همه چیز را بیان کردند و من می‌ترسم قدرش دانسته نشود. این یک صحبت عادی نیست. خود ایشان گاهی می‌فرمایند که برای بعضی صحبت‌ها دو سه روز برنامه‌های دیگر اعم از درس و دیدارها را تعطیل می‌کنند. سخنرانی اول سال ایشان این طور است.

ما باید روی سخنان ایشان کار کنیم. خواهش من این است که دوستان واقعا روی سخنرانی اول سال آقا کار کنند. مثلاً اگر آقا فرموده‌اند: «ما می‌توانیم»، شما باید کار تکمیلی بکنید؛ مخصوصاً با ذائقه دانش‌آموزی.

یک جاهایی باید بسپریم به گروه‌های خوش‌فکری که ادواتش را دارند تا اینها را استخراج کنند و به بچه‌ها برسانیم و در صحن مدرسه ارائه کنند.

باید در بستر تحلیل سیاسی، بسیار دقیق و ناظر بر نقشه دشمن و وضعیت داخلی باشیم؛ مخصوصاً شکستن حصر شیطانی تسلیم یا تحریم. آقا این حصر را شکستند و راه ارائه دادند.

درايت رهبري در تقويت توان موشكي ايران

دشمن طراحی بسیار دقیق و سنجیده‌ای برای کاهش پوشش امنیتی ما دارد که خودش داستانی دارد. الان مؤلفه‌ی قدرت جهانی ما امنیت ما است و همه جا به آن می‌بالیم. برخی از تئوری‌پردازان غربی



چنین می‌گوید یا ناآگاه است یا خائن. فعلا استفاده موشک برای ما پدافندی است، اما به دست یاران ما در جاهای مختلف دنیا می‌تواند آفتد هم بکند؛ چنان‌که فوجر، چتر امنیتی اسرائیل را سوراخ کرد.

یادم هست یک وقت در جبهه در عملیات پدافند فاو (والفجر ۸) به نقطه‌ای رسیدیم که من عمامه را استتار می‌کردم؛ اما گویا عراقی‌ها این را دیدند و ما را به خمپاره و آتش بستند. خیلی به ما برخورد. چند سنگر جلوتر رفتیم و به خمپاره رسیدیم. به بچه‌ها گفتم ما می‌خواهیم خمپاره بیندازیم. گفتند: حاجی ولمان کن. گفتم: چاره‌ای نیست، اینها ما را غیرتی کرده‌اند، باید کاری کنیم تا دلمان خالی شود. قبول کردند؛ اما گفتند: الان وقت استراحت طرفینی است. کنار خمپاره‌انداز رفتیم و ذکر گرفتیم و گفتم این موشک ذکری است. آن را پرتاب کردم، آن طرف عربده بلند شد و آنها به فاصله چند دقیقه این طرف را زدند کوبیدند. به رفقا گفتمک مثل این‌که فهمیدند که شلیک آخوندی بود!

چند تذکر تشکیلاتی

۱. تلاش برای رونق هیئت انصار المهدی: در مورد هیئت از شما خواهش می‌کنم که پرچم‌های هیئت انصارالمهدی بالا باشد و این تشکیلات را جدی بگیرید تا این افتخار تشکیلات، آسیب نبیند. امسال، ان‌شاءالله سال رونق هیئت‌های ما باشد

و در مرکز هم دوستان برنامه‌ریزی‌هایی دارند که من باخبر هستم.

۲. اتمام بحث‌های نظری الگوی تعالی دختران: امسال چون آغاز و انجامش به نام حضرت زهرا (سلام الله علیها) بوده، دوستان همت کنند و بحث‌های نظری ما در موضوع الگوی تعالی را تمام کنند. خوب نیست که سال ۹۵ تمام شود و هنوز مباحث نظری واجب ما مانده باشد و در زمینه الگوی تعالی دختران به اذن حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) باید کارهای خوبی انجام شود.

۳. بهره‌برداری از ظرفیت فضای مجازی: در مورد فضای مجازی گفتیم و اشاره‌ای رفت. تشکیلات ما باید از نظر فهم و فرهنگ فضای سایبر و در بهره‌برداری از فضای مفید و صیانت از مخاطرات، جزء مجموعه‌های رشید کشور باشد. جنگ اصلی آنجا است. من نگران ریزش‌ها در فضای مجازی هستم و دست هر بچه‌ای که یک موبایل هست، دل من می‌ریزد. یک دختر خانم محببه‌ی آخوندزاده پیش من آمد و گفت: همه چیز من از دست رفت! گفتم: خب موبایل را بشکن و خوردش کن. ریزش‌ها این‌طوری است. هیچ کس در امان نیست.

حال چه باید کرد که هم از ظرفیت‌ها استفاده کنیم و هم از آسیب‌ها صیانت؟ من معتقدم تشکیلات پیشرو همین الان و با ارفاق در آینده نزدیک، تشکیلاتی است که در این زمینه حرفی برای گفتن داشته باشد؛ و الا پس رو می‌شود.



۴. رسیدگی به خانواده: دوستان موضوع خانواده را کاملاً جدی بگیرند و مواظب باشید کار جاری تشکیلاتی، شما را از کار خانواده باز ندارد.



منابع و مأخذ

۵. تکمیل آرایش قرارگاهی: سخن پایانی اینکه یکی از افتخارات تشکیلات ما این است که به موقع، آرایش قرارگاهی انتخاب کرد و الان همه این را فهمیده‌اند. آن موقع بعضی‌ها می‌گفتند یعنی چه؟! بعضی‌ها هم رویشان نمی‌شد بگویند، اما من از چشم‌هایشان می‌فهمیدم.

[۱]. حج: ۵- ۶.

اما الان مشخص است که ذائقه حضرت آقا (روحی فدا) چیست. آرایش قرارگاهی را باید تکمیل کنیم؛ چراکه من به‌زودی می‌خواهم گزارش آن را خدمت حضرت آقا بدهم حتی ممکن است نام شورای مرکزی، قرارگاه مرکزی شود. مدرسه باید قرارگاه داشته باشد. مثال‌های من اینجا مولوی نبود و خواستم بگویم که خودتان فکر کنید.

[۲]. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم.

[۳]. تفسیر سور آبادی، ج ۳، ص ۱۸۹۸.

[۴]. حدید: ۲۰.

[۵]. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.

قرارگاه یعنی جنگ... آقا فرمودند: نماز جمعه ما هم باید قرارگاه باشد. اگر چه این واژه جنگی است، اما قرارگاه فرهنگی شهر باید نماز جمعه باشد.

[۶]. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۴.

[۷]. فتح: ۴.

ان شاءالله خدای متعال به همه شما توفیق بدهد و همه گذشتگان شما را در سال گذشته غریق دریای رحمت و با اولیای خودش محشور کند، و به همه ما حسن عاقبت کرامت کند و عاقبت امر ما را شهادت در بهترین حالات قرار دهد.

[۸]. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۲۲، ص ۳۵۳.

[۹]. انفال: ۲۵.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.



[۱۰]. محمد: ۳۸.

[۱۱]. ابن هشام، سیره النبویه، ج ۲،
ص ۳۳۴؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج ۳،
ص ۳۷.

[۱۲]. اسراء: ۱۶.

[۱۳]. نساء: ۵.

[۱۴]. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۰.

[۱۵]. همان، ذیل سوره ملک.







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ
بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ
يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

آیه ۵۴ سوره مائد